

روابط برون سوره‌ای از دیدگاه علامه طباطبایی «ره»

عبدالهادی فقهی‌زاده*

محمدجواد آزادی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۳

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۴/۱۸

چکیده:

محققان از دیرباز به موضوع ارتباط و تناسب سوره‌های قرآن توجه داشته و در این باره نظریات متعددی مطرح کرده‌اند؛ که این دیدگاه‌ها در تحقیقات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان، آراء علامه طباطبایی «ره»، با توجه به جایگاه علمی ایشان بخصوص در زمینه تفسیر قرآن، از اهمیت دو چندانی برخوردار است؛ موضوعی که به دلایل مختلف از جمله نوع نگاه علامه طباطبایی «ره» به چگونگی چینش سوره‌های مصحف کنونی و اجتهادی دانستن آن، مورد غفلت واقع شده است. بر این اساس، در مقاله حاضر به ذکر آراء شاخص درباره انواع و اشکال تناسب سوره‌ها پرداخته و ذیل عناوین مناسب، کیفیت اعتقاد یا عدم اعتقاد علامه طباطبایی «ره» نسبت به آنها را نشان داده‌ایم. بررسی آراء علامه طباطبایی «ره» نشان می‌دهد، ایشان نه تنها به موضوع تناسب سوره‌ها توجه داشته است، بلکه در ردّ و تأیید انواع تناسب‌های مطرح شده بین سوره‌های قرآن، نظریات متعددی را ذکر کرده است.

کلیدواژه‌ها: تناسب سوره‌ها، جمع قرآن، ترتیب سوره‌ها، علامه طباطبایی، تفسیر قرآن.

*دانشیار دانشگاه تهران (نویسنده مسوول) drfeghhizade@gmail.com

**دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه کاشان javadazadi@alumni.ut.ac.ir

مقدمه

ارتباط سوره‌ها، موضوعی است که همواره مورد توجه گروه پرشماری از قرآن پژوهان بوده است. و از این رو، در تفاسیر و آثار علوم قرآنی مطالبی به چشم می‌خورد که به تبیین ارتباط و پیوستگی میان سوره‌ها و انواع و اقسام آن پرداخته‌اند.

بر این اساس، جست‌وجو و گریخته، در تحقیقات و پژوهش‌های متعدد پیشین، دیدگاه مفسران و صاحب نظران در این باره استخراج و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با این همه، در این پژوهش‌ها احصاء کامل و منظم انواع تناسب و ارتباط میان سوره‌ها و رویکرد علامه طباطبایی «ره» نسبت به این موضوع عملاً مورد غفلت واقع شده است.

شاید نوع نگاه علامه طباطبایی «ره» نسبت به چینش سوره‌ها، این انگاره را به وجود آورده است که ایشان برای ارتباط و تناسب سوره‌ها جایگاهی قائل نیست و اساساً در تفسیر خود بدان نپرداخته است؛ حال آنکه بررسی مطاوی تفسیر المیزان نشان دهنده نگرش خاص علامه طباطبایی «ره» درباره این موضوع است. بنابراین مقاله حاضر در صدد آن است تا با بررسی تفسیر المیزان به تبیین دیدگاه علامه طباطبایی «ره» درباره‌ی تناسب و ارتباط سوره‌ها بپردازد.

بررسی آراء و نظریات قرآن پژوهان نشان می‌دهد، در زمینه‌ی تناسب سوره‌ها دو نوع ارتباط از اهمیت افزونتری برخوردار است: ۱. ارتباط ناظر به همه‌ی سوره‌های قرآن؛ ۲. ارتباط ناظر به مجموعه‌ای از سوره‌ها.

۱- ارتباط ناظر به همه سوره‌های قرآن

بر اساس این نگرشها، در چینش‌های قابل تصور، هر سوره با سوره مجاور - و طبق یک دیدگاه حتی غیر

مجاور- دارای ارتباط و پیوستگی قابل ملاحظه‌ای است.

۱-۱- ارتباط بین سوره‌ها بر اساس ترتیب کنونی اساس و مبنای بحث پیوستگی سوره‌های قرآن، توقیفی بودن ترتیب آنها است؛ به این معنا که صرفاً زمانی می‌توان به وجود ارتباط و تناسب سوره‌ها اعتقاد یافت که بپذیریم چینش آنها توقیفی و به اشاره وحی بوده است. اما چنانچه ترتیب میان سوره‌ها را اجتهادی بدانیم، دیگر پذیرش ارتباط وجه درستی نخواهد داشت. بنابر این کسانی که چینش سوره‌ها را اجتهادی می‌دانند، برای تناسب و ارتباط میان آنها جایگاهی قائل نیستند؛ چنان که در مقابل، معتقدان به وجود مناسبت میان سوره‌ها، بالضروره وحیانی بودن ترتیب سور را قبول دارند. از سوی دیگر بین پذیرش توقیفیت و اعتقاد به پیوستگی سوره‌ها هیچ گونه ملازمه‌ای وجود ندارد. یعنی بالضروره همه کسانی که وحیانی بودن چینش سوره‌ها را قبول دارند، به وجود ارتباط بین آنها معتقد نیستند. بر این اساس درباره تناسب سوره‌ها بر مبنای ترتیب کنونی سه دیدگاه عمده وجود دارد:

۱-۱-۱- انکار تناسب بر مبنای عدم توقیفی بودن

ترتیب سوره‌ها

با توجه به آنکه پذیرش تناسب و ارتباط سوره‌ها بر مبنای چینش کنونی، متوقف بر پذیرش وحیانی بودن ترتیب آنهاست، همه کسانی که از توقیفی دانستن چینش سوره‌ها سر باز زده‌اند، برای ارتباط و تناسب سوره‌ها نیز جایگاهی قائل نیستند؛ و از این رو، مناسبت‌های مطرح شده را سلیقه‌ای، ذوقی، بدون مبنا (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۳۹) و تکلف‌آمیز (معرفت، ۱۴۱۶: ۳۲۴/۵) دانسته‌اند. به این معنا که وجود تناسب میان سوره‌های قرآنی از هر نوع، منوط به اعتبار علمی

دیدگاه توقیفی بودن ترتیب سوره‌ها در مصحف است؛ حال آنکه چنین شرطی محقق نیست و از این رو، نظریه تناسب سوره‌ها فاقد استناد لازم برای اثبات آن است (فقهی زاده، ۱۳۸۵: ۱۳). افزون بر این جواز شرعی قرائت سوره‌ها بدون الزام به رعایت ترتیب خاص را دال بر عدم تعلق سوره‌ها و تناسب ذاتی میان آنها می‌دانند و معتقدند که با این طرز نگرش به سوره‌های قرآن، بسمله‌های قرآنی عملاً از جایگاه والای خود، به آیه‌هایی جهت رفع خستگی یا دلایل دیگر از این قبیل تنزل پیدا کرده و استقلال سوره‌ها عملاً از دست می‌رود (همو، ۱۳۷۴: ۱۳۰).

از آنجا که علامه طباطبایی «ره» نیز چنین کنونی سوره‌ها را به اجتهاد صحابه می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۱۲/۱۲۶) و بر اساس ملازمه‌ی میان توقیفیت چنین سوره‌ها و اعتقاد به تناسب و ارتباط آنها، ایشان به تناسب و ارتباط سوره‌ها در ترتیب کنونی قائل نیست و بر همین اساس در تفسیر المیزان به آن نپرداخته است. علامه طباطبایی «ره» پس از یاد کرد این مطلب که بسیاری از علمای اسلامی معتقدند ترتیب سوره‌های قرآن توقیفی است، ادله آنان را نقد کرده است (همان: ۱۲/۱۲۷-۱۲۵). مهم‌ترین دلایل او و همفکرانش در اثبات اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها عبارتند از:

الف) روایات جمع قرآن

این روایات نشان دهنده آن است که جمع قرآن بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام گرفته است و صحابه در ترتیب سوره‌ها دخالت کرده‌اند؛ چنان که برخی انتساب جمع فعلی قرآن به عثمان را که از شهرت قابل تأملی برخوردار است، نشانه‌ای برای تأیید اجتهادی بودن ترتیب سوره‌ها برشمرده‌اند (فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۷۲). علامه طباطبایی «ره» پس از ذکر روایات

جمع قرآن درباره آنها می‌گوید: «به دلیل روایاتی که از نظر گذشت ترتیب قرآن در جمع اول و هم چنین در جمع دوم کار اصحاب بوده، و در بعضی این نکته وجود داشته که عثمان سوره‌ی (انفال و براءت) را میان اعراف و یونس قرار داد در حالی که در جمع اول بعد از آن دو قرار داشت» (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۱۲/۱۲۶).

ب) اختلاف مصاحف

اختلاف مصاحف نخستین در چینش سوره‌ها، یکی از مهم‌ترین دلایل اجتهادی بودن ترتیب آنها به شمار می‌رود؛ چنانکه گروه پرشماری از قرآن پژوهان به وجود این اختلافات اشاره کرده‌اند (برای نمونه نک: زرکشی، ۱۹۹۰: ۱/۳۲۷؛ سیوطی، ۱۴۲۵: ۱۶۴ و ۱۶۹؛ زرقانی، ۱۴۰۹: ۱/۳۵۴-۳۵۳) و بعضاً حتی کتب مستقلی به آن اختصاص داده‌اند (ر.ک: زرکشی، ۱۹۹۰: ۱/۳۲۷، پاورقی). در منابع تاریخی و روایی اختلاف مصاحف علی بن ابی طالب علیه‌السلام، عبد الله بن مسعود، ابی بن کعب و ابن عباس گزارش شده است. حال آنکه اگر ترتیب مصحف کنونی، ترتیب وحیانی و چینش مورد نظر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، مصاحف این بزرگان جز بر نظمی همساز با آن مرتب نمی‌شد. علامه طباطبایی «ره» در این باره می‌نویسد: «... در روایاتی وارد شده که ترتیب مصاحف سایر اصحاب با ترتیب در جمع اول و دوم مغایرت داشته است. مثلاً روایتی می‌گوید مصحف حضرت علی علیه‌السلام برطبق ترتیب نزول مرتب بوده و چون اولین سوره‌ای که نازل شد «سوره‌ی علق» بود در قرآن علی علیه‌السلام هم اولین سوره، سوره علق و بعد از آن «مدثر» و بعد از آن «ن و القلم»، آنگاه «مزمل»، آنگاه «تبت» پس از آن «تکویر» و بدین طریق تا آخر سوره‌های مکی و بعد از آن سوره‌های مدنی قرار داشته است و این روایت را صاحب الاثقان از ابن

از طریق وحی مشخص گردیده، اما این به آن معنی نیست که ضرورتاً میان دو سوره هم جوار مناسب وجود داشته باشد؛ زیرا ممکن است حکمت این ترتیب خاص در قالب کلی آن نهفته و حکمت‌های دیگری، غیر از وجود تناسب میان سوره‌های متوالی، در این چینش دخالت داشته باشد.

طرفداران این نظریه معتقدند، تناسب بین آغاز و پایان سوره‌های هم جوار یا محتوای آیات آنها تنها در صورتی قابل قبول است که این آیات آشکارا درباره یک موضوع مشخص و واحد سخن بگویند و هیچ گونه الزامی در ایجاد ارتباط بین همه سوره‌ها یا آیات انتهایی و ابتدایی آنها نیست (خامه‌گر، ۱۳۸۶: ۱۸۴).
صبحی صالح گرچه ترتیب سور قرآن را توقیفی می‌داند اما معتقد است، تحقیق به منظور پیدا کردن وجوه ارتباط بین سوره‌های قرآن، کوشش بی فایده و بی‌ثمری است؛ چنان که لازمه توقیفی بودن چینش سوره‌های قرآن حتماً این نیست که بین دو سوره متوالی پیوندهای نزدیکی برقرار باشد. (صبحی صالح، ۱۳۷۹: ۲۳۵).

او بر این اساس معتقد است باید دید آیا دو سوره‌ای که در صدد بیان ارتباط میان آنها هستیم، از نظر موضوعی همسانی دارند یا خیر؛ اگر واقعاً دو سوره متوالی، راجع به یک موضوع یا چند موضوع مرتبط باشند، این تناسب و ارتباط معقول و مقبول است؛ ولی چنان چه هر یک از آن دو سوره دارای شأن نزول‌های متفاوت باشند و از موضوعات متفاوت و غیر مرتبط با هم سخن بگویند، چه تناسب و ارتباطی میان آنها می‌توان سراغ گرفت؟! (همان: ۲۳۷).
این از جمله نکات قابل توجهی است که در کشف روابط برون سوره ای باید بدان توجه و التفات جدی داشت.

فارس نقل کرده است. در تاریخ یعقوبی ترتیب دیگری برای مصحف آن جناب نقل شده است. از ابن اشته نقل کرده‌اند او در کتاب المصاحف به سند خود از ابن جعفر کوفی، ترتیب مصحف ابی را نقل کرده که به هیچ وجه شباهتی با قرآن‌های موجود ندارد و همچنین او به سند خود از جریر ابن عبدالحمید ترتیب مصحف عبدالله بن مسعود را نقل کرده که با قرآن‌های موجود مغایرت دارد، عبدالله بن مسعود، اول از «سبع طوال» شروع کرده و پس از آن سوره‌های «مئین» و «آنگاه» «مثنی» و «مفصلات» را آورده؛ حال آنکه قرآن‌های موجود این طور نیست» (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۱۲۷/۱۲ - ۱۲۶).

ج) عدم نقل تفصیلی در باب ترتیب سوره‌ها از سوی دیگر هیچ سخن متقنی دال بر چینش تفصیلی سوره‌ها، که توقیفی بودن ترتیب آنها را افاده کند، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دست نیست (علی-زاده، ۱۳۸۷: ۹۴)؛ حال آن که اگر چنین اخباری وجود داشت، با توجه به اهمیّت و دواعی فراوانی که برای نقل آنها وجود دارد، می‌بایست به ما می‌رسید.

علّامه طباطبایی «ره» پس از ذکر روایات جمع قرآن بر این نکته پافشاری می‌کند که، نهایت چیزی که این روایات بر آن دلالت دارد آن است که نامبردگان در روزگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوره‌ها و آیه‌های قرآن را جمع کرده بودند. اما اینکه آنان عنایت داشته‌اند همه قرآن را به ترتیب سوره‌هایی که امروز در دست ما است و یا به ترتیب دیگری جمع کرده باشند دلالت ندارد. (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۱۲۱/۱۲).

۱- ۱- ۲- نفی لزوم تناسب سوره‌ها علی رغم اعتقاد به توقیفی بودن ترتیب آنها

بر اساس این دیدگاه، اگر چه ترتیب سوره‌های قرآن در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله شناخته شده و

۱- ۱- ۳- لزوم اعتقاد به تناسب سوره‌ها با استدلال بر توقیفی بودن ترتیب آنها گروه دیگری از محققان، با تأکید بر وحیانی بودن چینش سوره‌ها به وجود ارتباط میان آنها قائل شده‌اند (برای نمونه رکن زرخشی، ۱۹۹۰: ۱۳۴/۱-۱۳۳؛ سیوطی، ۲۰۰۰: ۳۶-۳۱ و ۲۷-۲۵؛ مسلم، ۱۴۱۰: ۷۸؛ همای، ۱۳۷۵: ۵۰) و برای این نوع از مناسبات وجوهی ذکر کرده‌اند که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف) ارتباط مضمونی میان سوره‌های متوالی

ارتباط مضمونی میان سوره‌های پی در پی، یکی از انواع ترابط و اتصال میان سوره‌ها است. آن عده از دانشمندان که به وحیانی بودن چینش سوره‌ها و وجود حکمت در این ترتیب معتقدند، به ارتباط مضمونی میان سوره‌های متوالی نیز قائلند و در آثار خود به بررسی نمونه‌هایی از آن پرداخته‌اند (برای نمونه رکن زرخشی، ۱۹۹۰: ۱۳۴/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۵: ۷۰۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱، ۱۰۹/۴ و ۳۱۵/۲ و ۳۸۹/۲...؛ شریعتی، ۱۳۶۸: ۱۸۸-۱۸۷، ۲۴۰، ۲۲۰، ۲۱۲، ۲۰۵؛ بی‌آزار شیرازی، محمدباقر حجّتی، ۱۳۶۳: ۲۲/۲-۲۰ و ۱۲/۶؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۴۷۳/۱، ۵۸۴، ۶۹۳، ۸۰۳، ۱۵۸/۲ و...؛ آنان نخست کوشیده‌اند پیوندهای عامی میان مضامین و محتوای سوره‌ها برقرار کنند (ابوزید، ۱۳۸۰: ۲۷۶).

طرفداران این وجه از مناسبات معتقدند سوره‌های قرآن تماماً در یک نظام مرتبط و منسجم حول محور توحید به یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ چنان که با جابجا کردن فرضی آنها این هماهنگی به هم می‌خورد. به عبارت دیگر، قرآن از ۱۱۴ بخش به نام سوره تشکیل شده که هر کدام در عین استقلال، مانند فصول گوناگون یک کتاب به ترتیب خاصی به دنبال

یکدیگر قرار گرفته‌اند و اعتقاد به وجود چنین نظمی میان آنها به فهمیدن مقاصد هر سوره در ارتباط با سوره‌های قبل و بعد کمک شایانی می‌کند (بازرگان، ۱۳۷۲: ۶/۱). جلال الدین سیوطی، بر آن است که هر سوره تفصیل یافته و شارح مطالبی است که به اجمال در سوره پیش از خود مذکور افتاده، به آن را یکی از اصول قرآنی می‌شناساند و چگونگی آن را در غالب سوره‌های کوتاه و بلند قرآن قابل ملاحظه معرفی می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۶: ۶۱).

مراغی چگونگی ارتباط میان سوره نبأ و سوره پیش از آن (مرسلات) را چنین بیان می‌کند: «(۱) سوره نبأ شامل اثبات قدرت بر برانگیختن مردگان است که در سوره پیشین یاد شده و کافران آن را تکذیب می‌کردند. (۲) چه در این سوره و چه در سوره قبلی سرزنش و کوبیدن تکذیب کنندگان وجود دارد؛ در آنجا گفته شد: «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ» (مرسلات/۲۰) و اینجا گفته می‌شود: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا» (نبأ/۶). (۳) در هر دو سوره توصیف بهشت و جهنم و نعمت‌های پرهیزکاران و عذاب‌های منکران وجود دارد. (۴) در این سوره تفصیل آنچه در سوره پیشین از یوم‌الفصل گفته شده آمده است؛ در آنجا می‌گوید: «لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ لِيَوْمِ الْفُصْلِ. وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفُصْلِ» (مرسلات/۱۴-۱۲)، و اینجا می‌گوید: «إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا» (نبأ/۱۷) تا به آخر سوره» (مراغی، بی تا: ۳/۳۰).

رشید رضا، درباره تناسب سوره‌های انفال و توبه می‌نویسد: «تناسب میان این دو سوره و سوره پیش از آن، از تناسب سایر سوره‌ها باهم آشکارتر است؛ گویی سوره توبه در اصول دین و سنت‌های الهی و نظام تشریع و قانون‌گذاری، متمم سوره انفال است. بیشترین قانون‌های این دو سوره درباره احکام جنگ و مسائل

اساس اگر ابتدا و آغاز سوره‌ای با انتها و آیه پایانی سوره قبل در نظر گرفته شود و مورد بررسی قرار گیرد، در اوج درجه تناسب و سازگاری خواهند بود (نهایندی، ۱۳۸۶: ۱۳/۱ - ۱۲).

نخستین کسی که به این گونه از ارتباط میان سوره‌ها پرداخت و در این زمینه تألیفی جداگانه فراهم آورد، احمد بن ابراهیم بن زبیر غرناطی، معروف به ابن زبیر (م ۷۰۸هـ)، است؛ که کتاب «البرهان فی مناسبه ترتیب سورة القرآن» را تدوین کرد (زرکشی، ۱۹۹۰: ۱۳۰/۱، پاورقی یوسف عبد الرحمان مرعشلی). آنگاه محققان دیگری به این موضوع پرداختند و بر آن مطالبی افزودند؛ سیوطی کتاب «تناسق الدرر فی تناسب السور»، را در همین موضوع نگاشت. او در کتاب الاتقان یکی از انواع مناسبت‌ها را تناسب میان آغاز یک سوره و پایان سوره قبل می‌داند. از نظر سیوطی در بعضی از موارد این ارتباط در لفظ نیز ظاهر می‌شود، هم چنان که میان آخر سوره فیل: «فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ» (فیل/۵) با آغاز سوره قریش «لَا يَلْفُ قُرَيْشٍ» (قریش/۱)، می‌توان این ارتباط لفظی را مشاهده کرد (سیوطی، ۱۴۲۵: ۷۰۰). سیوطی به نقل از کواشی در تفسیر سوره مائده می‌گوید: «چون خداوند سوره نساء را با امر توحید و عدالت ورزی میان بندگان به پایان برده، در آغاز سوره مائده آن را با این فرمان مورد تأکید قرار داد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/۱) (همان).

مؤلف مجمع البیان فی تفسیر القرآن، در تفسیر خود به این وجه از تناسب پرداخته است و برای نمونه، معتقد است در سوره مائده و انعام، خداوند سوره مائده را به آیه «عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (مائده/۱۲۰) خاتمه داد و سوره انعام را هم با بیان خلقت آسمانها و زمین و ... (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ

مربوط به آن، مانند آمادگی رزمی و عوامل پیروزی در جنگ است... پس هر آنچه در سوره نخست، آغاز به طرح شده است در سوره دوم پایان یافته... آنچه گفتیم مؤید نظر کسانی است که گفته‌اند این دو سوره یکی است، همچنان که ترتیب سوره‌ها از نظر طولانی بودن نیز این مسأله را تأیید می‌کند» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۱۴۸/۱۰ - ۱۴۷).

فخر رازی، و به پیروی از او سیوطی و زرکشی، ارتباط نزدیکی میان سوره کوثر و سوره ماعون برقرار می‌دانند از نظر آنان سوره کوثر مانند نقطه مقابل سوره پیش از خود، ماعون است. زیرا خداوند در سوره قبلی منافقان را به چهار صفت یاد کرد: بخل، ترک نماز، خود نمایی در نماز و جلوگیری از زکات، و در این سوره در مقابل بخل آیه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» را، در مقابل ترک نماز کلمه «فَصَلِّ» را که امر به مداومت بر نماز است، در مقابل خودنمایی کلمه «لِرَبِّكَ» را و در مقابل جلوگیری از زکات کلمه «وَأَنْحَرْ» را که منظور از آن صدقه دادن گوشت‌های قربانی است مطرح فرموده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۰۷/۳۲؛ زرکشی، ۱۹۹۰: ۱۳۴/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۵: ۷۰۰؛ ۲۰۰۰: ۱۶۹).

از نظر مؤلفان تفسیر کاشف نیز، سوره‌های انفال و اعراف، هر دو به بیان عوامل سقوط امت‌ها می‌پردازد؛ با این تفاوت که اولی مربوط به امم پیشین و دومی مربوط به امت اسلامی است (بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم و محمد باقر حجّتی، ۱۳۶۳: ۲۲/۵).

ب) ارتباط بین آغاز یک سوره با پایان سوره پیشین در این دیدگاه، میان سوره‌هایی که پشت سر هم قرار گرفته‌اند ارتباطی منطقی و مشهود برقرار است، گویی آیات ابتدای هر سوره به گونه‌ای طبیعی به آیات انتهایی سوره‌ی قبل گره خورده و مطالب آن از زاویه دیگر ادامه یافته است (بازرگان، ۱۳۷۲: ۶/۱). براین

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ (انعام/۱) آغاز کرد که دلیل قدرت کامل اوست (طبرسی، ۱۳۶۰: ۵/۸؛ هم چنین ن.ک؛ ۵/۵ و ۱۷۹/۶ و ۴/۱۲ و ۱۵۵/۱۲ و...).

زرکشی، در کتاب *البرهان* با تأکید بر این گونه از مناسبات بین سوره‌ای، موارد متعددی از آن را ذکر کرده است؛ مثلاً معتقد است، آمدن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» در آغاز سوره فاطر، متناسب با آیه آخر سوره «سبأ» است که: «وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ» (سبأ/۵۴) (زرکشی، ۱۹۹۰: ۱۳۴/۱). یا در جای دیگر می‌نویسد، آغاز شدن سوره «بنی اسرائیل» با تسبیح خداوند، با سرآغاز سوره «کهف» که با حمد خداوند آغاز شده متناسب دارد، زیرا تسبیح در همه جای قرآن مقدّم بر حمد آمده است (همان: ۱۳۵/۱).

نصر حامد أبوزید نیز بر ارتباط میان آغاز یک سوره با پایان سوره پیشین تأکید دارد، و آن را بیشتر حاصل پیوند اسلوبی و لغوی معرفی می‌کند. وی درباره مناسبت بین سوره مائده و انعام معتقد است، بر اساس آیات پایانی سوره مائده، خداوند در روز قیامت میان عیسی بن مریم و قومش که مدّعی الوهیت اویند، جدایی می‌افکند و داوری می‌کند. حال که مضمون عمومی بخش پایانی سوره مائده، جدایی و داوری است، می‌توان رابطه آن با ابتدای سوره انعام را - که با «الْحَمْدُ لِلَّهِ» آغاز می‌شود - با تکیه بر آیه‌ای از سوره‌ای دیگر یافت: «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (زمر/۷۵).

از نظر ابو زید، این رابطه که متن قرآنی میان «جدایی و داوری» و «حمد» برقرار ساخته است، قانونی کلی در تفسیر روابط میان سوره‌هاست. او هم چنین، عقیده دارد روابط و مناسبت‌هایی میان سوره‌ها وجود دارد که به این اندازه نیازمند تأویل نیست، بلکه

صرفاً بر نوعی رابطه زبانی یا تکرار واژه‌ها در میان آیات انتهایی یک سوره و آیات ابتدایی سوره بعدی مبتنی است (أبوزید، ۱۳۸۰: ۲۸۲).

۱-۲- ارتباط میان سوره‌ها بر مبنای ترتیب نزول در این دیدگاه، چنانچه چینش سوره‌های قرآنی را بر اساس ترتیب نزول در نظر بگیریم، میان مضامین آنها ارتباط و تناسب وجود دارد. محققانی که به تعیین ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته و در تشخیص مکان آنها، مضامین آنها را مدّ نظر قرار داده‌اند، به نوعی جزء معتقدان به این نظریه به شمار می‌روند؛ از جمله مؤلف *تفسیر البصائر*، که وجوهی را برای ارتباط سور با یکدیگر بر حسب زمان نزول ذکر کرده است؛ برای نمونه در مورد سوره حدید می‌گوید: «این سوره تحقیقاً پس از سوره ۹۹ (زلزال) نازل شده است. پس از این که در سوره الزلزال به خبر دادن خداوند به انسان در روز قیامت از آنچه در دنیا انجام داده است اشاره شد و بعضی از نشانه‌های قیامت - که موجب تشویق به کارهای نیک و ترسیدن از انجام کارهای بد است - مورد اشاره قرار گرفت، سوره الحدید نازل گردید و همه مردم را به ایمان و عمل شایسته فرا خوانده؛ ثروتمندان را به صرف مال در راه برتری سخن حقّ و خرد کردن پایه‌های باطل برانگیخت و مؤمنان را به قتال و استفاده از آهن (و سلاح) ترغیب کرد تا دنباله‌های اهل کفر و نفاق را قطع کنند» (جویباری، بی تا: ۷۳/۴۴).

بررسی مطاوی *تفسیر المیزان*، وجود چنین دیدگاهی را در نزد علامه طباطبایی «ره» تأیید می‌کند. چنان که گفتیم علامه طباطبایی «ره» چینش کنونی سوره‌های قرآن را اجتهادی می‌داند، و در مقابل ترتیب حیانی آنها را همان ترتیب نزول بر می‌شمارد. این دیدگاه می‌تواند شاهی بر اعتقاد ایشان، به وجود

را به عنوان یکی از اصول قرآنی مطرح کرده است (سیوطی، ۱۴۰۶: ۶۵).

عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي «ره» در موارد متعدّد از مبنای فوق (وجود ارتباط و مناسبت میان مضمون سوره‌ها، برحسب ترتیب نزول) برای تشخیص سور مکی و مدنی استفاده کرده است که در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

در تفسیر المیزان، عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي «ره» ذیل آیات ۹-۱ سوره اعراف با توجّه به آیاتی نظیر «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف/۲۹)، آیه «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ» (اعراف/۳۳) و آیه «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (اعراف/۳۲) که متضمّن مجملاتی از واجبات و محرّمات است نزول سوره اعراف را قبل از نزول سوره انعام می‌داند؛ زیرا در سوره انعام آیه «قُلْ لَأُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ...» (انعام/۱۴۵) وجود دارد دالّ بر آن که حکم به اباحه ماسوای آنچه از محرّمات استثناء شده، قبلاً نازل شده بود و آیه مزبور به آیات این سوره اشاره می‌کند. از نظر عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي «ره» از ظهور این آیه هم که صرف نظر کنیم احکام و شریعی که در این سوره ذکر شده اجمالی‌تر از آن احکامی است که در سوره انعام در آیه «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ» (انعام/۱۵۱) و آیات بعد از آن ذکر گردیده است. و این خود دلیل روشنی است بر این که سوره اعراف قبل از سوره انعام نازل شده است (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۷/۸).

عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي «ره» در ابتدای تفسیر سوره شعراء، بر اساس آیه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۲۱۴) که مشتمل بر مأموریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت است، معتقد است این سوره از سوره‌های نخستین مکی است که در اوایل

ارتباط و تناسب بین سوره‌ها بر مبنای ترتیب نزول باشد؛ زیرا توقیفی دانستن یک چینش، غالباً با اعتقاد به وجود حکمتی چون تناسب و ارتباط میان آنها همراه و ملازم است.^۱

از سوی دیگر روش عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي «ره» در تشخیص سوره‌های مکی و مدنی، وجود دیدگاه مذکور را نزد وی تقویت می‌کند. چنان که گفتیم کسانی که در تعیین سوره‌های مکی و مدنی مضمون آنها را مورد توجّه قرار می‌دهند جزو طرفداران نظریه فوق محسوب می‌شوند. مؤلف المیزان نیز در زمره افرادی است که در تعیین سوره‌های مکی و مدنی و ترتیب آنها، مضامین و سیاق آیات را مورد نظر قرار داده است. عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي «ره» در این باره معتقد است، تنها راه برای تشخیص ترتیب سوره‌های قرآنی و مکی بودن آنها تدبّر در مضامین آنها و تطبیق آن با اوضاع و احوال پیش از هجرت و پس از هجرت است، این روش تا اندازه‌ای که پیش می‌رود برای تشخیص ترتیب سور و آیات قرآنی و مکی یا مدنی بودن آنها سودمند است؛ چنان که مضامین سوره‌های انسان و العاديات و مطففين به مدنی بودن آنها گواهی می‌دهد، هرچند برخی از روایات آنها را جزء سوره‌های مکی قرار می‌دهند (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۱۲۸) همچنین عَلَّامَه طِبَاطِبَائِي «ره» معتقد است در آیات مکی، مجملات مطرح شده است، که بعداً در آیات مدنی توضیح و تفصیل داده می‌شوند (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۱۵۸/۴)؛ به ویژه با توجّه به اینکه، تفصیل و شرح مجملات یک سوره در سوره دیگر یکی از انواع مناسبت مضمونی میان سوره‌های متوالی به شمار می‌رود، و سیوطی آن

^۱ این مطلب را می‌توان از اعتقاد عَلَّامَه به رعایت ترتیب نزول سوره‌ها در مصحف حضرت علی علیه السلام به خوبی یافت (برای نمونه ن.ک؛ طباطبائی، ۱۳۹۲: ۱۲۶/۱۲؛ همو، ۱۳۸۵: ۳۰).

با هم مشترکند، در لوازم رسیدن به این غرض، همگونی‌هایی دارند. چنین همگونی‌هایی - اگر ثابت شوند - قطعاً به سوره‌های متوالی نمی‌توانند اختصاص داشته باشند (ر.ک؛ فقهی‌زاده، ۱۳۷۴: ۱۳۹).

در این دیدگاه اختصاص ارتباطات ادعایی میان سوره‌ها بر مبنای ترتیب کنونی به سوره‌های همجوار مردود شمرده شده و مؤکداً بر آن است که همه سوره‌ها، فارغ از لحاظ ترتیبی خاص میان آنها با هم در ارتباطند و با قرار گرفتن آنها در هر موقعیتی، وجوهی از تناسب‌های ادعا شده در سایر موارد، برای آنها نیز قابل پیگیری است.

۲- ارتباط ناظر به مجموعه‌هایی خاص از سوره‌های قرآن

مراد از این وجه تناسب، اعتقاد به نوعی تقسیم بندی در میان سوره‌های قرآن است که بر اساس آن نه تنها میان سوره‌های مجاور یا کل قرآن نوعی پیوند مضمونی برقرار است، بلکه میان دسته‌هایی از سوره‌های قرآنی نیز نوعی هماهنگی و همسویی وجود دارد. (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۰: ۶۶).

در اعتقاد به این گونه از تناسب‌ها، دسته بندی سوره‌ها بر دو اساس صورت می‌گیرد: اول، ظاهر جملات و خصوصیات محتوایی سوره‌ها، به روش اجتهادی. دوّم، دسته بندی سوره‌ها بر اساس احادیث و روایات مأثور.

۲-۱- ارتباط و پیوستگی میان مجموعه حاصل از رأی و اجتهاد

از جمله محققانی که به بیان این نوع از مناسبات پرداخته‌اند، می‌توان به عبد الله درّاز (درّاز، ۱۴۱۲: ۱۵۴)، و عبدالعلی بازرگان اشاره کرد. از دیدگاه بازرگان، سوره‌های قرآن را می‌توان فصول این کتاب و در ادامه آن نیز مجموع چند سوره مجاور را مجلد

بعثت نازل شده است. ایشان در ادامه با توجه به آیه مذکور و آیه «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ» (حجر/۹۴) در سوره حجر و مقایسه مضمون آن دو با یکدیگر احتمال داده است که این سوره قبل‌تر از سوره حجر نازل شده است (همان: ۲۵۰/۱۵).

او همچنین ذیل آیه ۱۴۸ سوره اعراف، با توجه به این‌که داستان گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل در این سوره به اختصار و در سوره طه به صورت تفصیلی ذکر شده است، نزول سوره طه را قبل از سوره اعراف قلمداد کرده است (همان: ۲۴۸/۸).

علامه طباطبایی «ره» همچنین در تفسیر آیات ۶۸-۶۱ سوره غافر، تکرار معانی و مضامین این آیات در سوره زمر را قرینه‌ای بر احتمال راجح تقدّم نزول سوره زمر بر سوره غافر بر شمرده است (همان: ۳۴۷/۱۷).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، علامه طباطبایی در تعیین ترتیب نزول سوره‌ها به قرائن و شواهد متعدّد، از جمله تشابه مضمونی و نسبت اجمال و تفصیل میان آنها، توجه داشته است؛ چنان‌که اتخاذ چنین رویکردی در تشخیص سور مکّی و مدنی، حاکی از اعتقاد ایشان به وجود مناسبات و ارتباط مضمونی میان سوره‌ها برحسب ترتیب نزول آنهاست.

۱-۳- ارتباط سوره‌ها، فارغ از ترتیب خاص میان آنها

در این دیدگاه، مناسبت‌هایی که برای سوره‌ها ذکر شده، به سوره‌های هم جوار یا ترتیب خاص اختصاص ندارد، بلکه میان سوره‌های دور نیز می‌توان از آنها سراغ گرفت؛ یعنی، ارتباط‌ها و شباهت‌هایی که میان پاره‌ای از سوره‌ها ادعا شده‌اند، گاه در سطح سوره‌های دور از هم بیشتر قابل رؤیتند. بنابر این از آنجا که تمامی سوره‌ها در برآوردن هدف عمومی قرآن

۱۷/۲-۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۱/۲۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۴۴/۵.

۲-۲- ارتباط و پیوستگی میان مجموعه‌های حاصل از مفاد روایات

در برابر کسانی که از رأی و اجتهاد، برای تعیین مجموعه‌های سور قرآنی، بهره می‌برند، برخی دیگر، احادیث و روایات را ملاک تعیین این مجموعه‌ها برای بررسی ارتباط میان آنها اتخاذ کرده‌اند.

مهم‌ترین نوع از این تقسیم بندی، برگرفته از روایتی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ضمن آن قرآن را در چهار مجموعه خلاصه کرده‌اند: «أعطيت مكان التوراة، السبع الطول و أعطيت مكان الزبور، المثین و أعطيت مكان الانجیل، المثانی و فضلت بالمفصل» (برای نمونه ن.ک: طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۵/۱-۳۴؛ کلینی، ۱۳۶۵: ۲/۶۰۱؛ طوسی، بی تا: ۲۰/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۵: ۱/۴۷۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۶/۱۰۱؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۶/۵).

طرفداران این وجه از ارتباط و تناسب سوره‌ها معتقدند، از آن جهت که پیامبر صلی الله علیه و آله نوعی تقسیم‌بندی در بین سوره‌های قرآنی به وجود آورده است، ناگزیر نوعی ارتباط و مناسبت میان هر کدام از این دسته‌ها وجود دارد و نظم خاصی در هر چهار مجموعه قابل ملاحظه است. برای نمونه سعید حوی، در *الاساس فی التفسیر* با تأکید بر حدیث فوق، که آن را حسن می‌داند، دیدگاه خود را بر حصه‌های چهارگانه قرآن: طوال، مثین، مثانی و مفصل پایه گذاری می‌کند و بنابر شواهدی که در آغاز تفسیر هر قسم یاد می‌کند، چارچوب کلی هر یک از این اقسام و تقسیمات آن را به شکل زیر مشخص می‌کند:

۱- سبع طوال، شامل سوره بقره تا پایان سوره براءت که با هم یک مجموعه را شکل می‌دهد.

جداگانه‌ای از آن تلقی کرد. برخی از این مجموعه‌ها با حروف مقطعه قابل تشخیص‌اند؛ مثل هفت سوره‌ای که با حروف مقطعه حم افتتاح شده‌اند (مؤمن، فصلت، شوری، دخان، جاثیه و احقاف)، یا شش سوره‌ای که با حروف مقطعه الر آغاز شده‌اند (یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم و حجر). همین طور سوره‌های دیگری با حروف مقطعه طس و الم و جز اینها در صدر آنها. برخی دیگر از این مجموعه‌ها را می‌توان از طریق روابط متقابل و روشنی که با یکدیگر دارند، شناخت؛ مانند سوره‌های بقره و آل عمران که هر دو با حروف مقطعه الم آغاز شده‌اند: اولی به تاریخ بنی اسرائیل در دوره حضرت موسی علیه‌السلام (یهودیان) اشاره دارد، و دومی نصرانیت را از آل عمران که منشأ اصلی این قوم بوده‌اند معرفی می‌کند. همچنین سوره‌های مکملی همچون جمعه و منافقین (که در رکعات نماز جمعه خوانده می‌شوند)... فیل و قریش (تاریخ قریش در مکه) ناس و معوذتین که پیوند محدودی را حداقل میان دو سوره نشان می‌دهند... سیاق عمومی سوره‌ها نیز می‌تواند رهگشایی برای این امر باشد، از جمله سه سوره ۴۷ تا ۴۹ (سوره محمد صلی الله علیه و آله، فتح، حجرات) که از نظر مضمون و محتوا بسیار به یکدیگر شبیه بوده، سیاق واحدی را تعقیب می‌کنند و مخاطب اصلی همه آنها شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله است (بازرگان، ۱۳۷۲: ۷/۱). با این همه، برای تشکیل برخی از این مجموعه‌ها می‌توان مبنای حدیثی نیز یافت؛ نظیر سوره‌های بقره و آل عمران که در حدیث از آن به عنوان «الزهران» (ابن حنبل، ۱۴۰۱: ۲۴۹/۵، ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۵۷؛ دارمی، ۱۴۰۱: ۸۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/۱۵۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/۱۸) یاد شده است. یا سوره‌های حوامیم که در احادیث با همین عنوان از آنها یاد شده است (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸:

در روایات متعددی مشاهده کرد؛ برای نمونه از امام علی علیه‌السلام نقل است: «لکل کتاب صفوة و صفوة هذا الكتاب حروف التهجی» (بغوی، ۱۴۲۰: ۸۰/۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۵۵/۱). و روایاتی که از سوره دارای حروف تهجی با یک عنوان خاص یاد شده است.^۱

در این نوع از مناسبات، دیدگاه علامه طباطبایی «ره» با سایر محققان یک تفاوت بنیادی دارد؛ زیرا تقسیم بندی سوره‌ها در سایر دیدگاه‌ها غالباً مبتنی بر رعایت ترتیب مصحف کنونی است. به عبارت دیگر، در آن دیدگاه‌ها در تحدید مجموعه‌ها، ترتیب فعلی سوره‌ها حفظ شده است. اما مجموعه‌ای که علامه طباطبایی «ره» تعیین کرده است، فارغ از ترتیب سوره‌ها در مصحف کنونی است. برای نمونه، علامه طباطبایی «ره» معتقد است سوره اعراف با سوره صاد دارای مضامین مشترک هستند (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۹/۱۸)؛ و حال آن که سوره اعراف در ترتیب مصحف کنونی سوره هشتم و سوره صاد سوره سی و هشتم است. مجموعه‌های دیگری را نیز می‌توان از تفسیر *المیزان* استنباط کرد؛ برای نمونه، علامه طباطبایی «ره» سیاق مضمون سوره‌های تغابن و حدید را که در ترتیب مصحف موجود، هفت شماره از یکدیگر فاصله دارند، بسیار مشابه قلمداد می‌کند و از این رو، در حقیقت آنها را در ارتباط و تناسب با یکدیگر بر می‌شمارد (همان:

^۱ - برای نمونه: سخن امام علی علیه‌السلام در احتجاج با فردی یهودی درباره فضیلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «... مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله أَغْطِي مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ أُعْطِيَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله سُورَةَ الْبَقَرَةِ وَ الْمَائِدَةَ بِالْإِنْجِيلِ وَ طَوَاسِينَ وَ طَهَ وَ نَصَفَ الْمُفْضَلِ وَ الْحَوَامِيمَ بِالتَّوْرَةِ...» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۳/۱۰)؛ و روایات نبوی: «الْحَوَامِيمُ دِيْبَاجُ الْقُرْآنِ» (همان: ۳۰۲/۸۹)؛ «لِكُلِّ شَجَرٍ ثَمَرٌ وَ إِنَّ ثَمَرَاتِ الْقُرْآنِ ذَوَاتُ حَمٍّ» (همان)؛ و نیز روایت امام صادق علیه‌السلام: «قَالَ الْحَوَامِيمُ رِيَّاحِينَ الْقُرْآنِ» (همان: ۳۰۲/۸۹).

۲- مثنین، شامل سوره‌هایی که بیشتر آنها حدود صد آیه دارند و از سوره یونس شروع و به سوره قصص ختم می‌شود و مرکب از سه مجموعه فرعی است.

۳- مثنائی، شامل سوره‌هایی که آیات آنها از صد کمتر است. این قسم، از سوره عنکبوت شروع و تا سوره ق امتداد می‌یابد و مشتمل بر پنج مجموعه فرعی است.

۴- مفصل، که کوتاه‌تر و شامل سوره‌هایی است که میان آنها با «بسم الله الرحمن الرحيم» جدائی افتاده است. این قسم، از سوره ذاریات تا انتهای قرآن ادامه می‌یابد و در آن ۱۵ مجموعه فرعی قرار دارد (حوئی، ۱۴۱۲: ۳۰/۱، ۶۷۷۷/۱۱، ۶۷۷۱).

سعید حوئی درباره ارتباط و تناسب هر گروه و مجموع سوره‌ها می‌نویسد: «همیشه درباره اسرار پیوستگی بین آیه‌ها و سوره‌ها می‌اندیشیدم، و در قلبم از کوچکی فتح بابی شده بود تا ربط سوره بقره با دیگر سوره‌های طولانی (طوال) را بیابم و چنین دریابم که این هفت سوره یک مجموعه منظم و پیوسته از تقسیم بندی‌های قرآن هستند...» (همان: ۲۱/۱). او در همه دسته‌های پیش گفته از سوره‌ها طرحی مشابه دارد و به دنبال اثبات پیوستگی میان هر گروه از آنها و مجموعه‌های وابسته است.

علامه طباطبایی «ره» را می‌توان از جمله محققانی دانست که با مبنای روایی، قائل به وجود پیوستگی میان مجموعه‌ای از سوره‌های قرآنی است. او معتقد است مضمون سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شود به یکدیگر شبیه است و در سوره‌هایی که حروف مقطعه آنها از یک نوع است، شباهت بیشتر و اغراض به هم نزدیک‌تر است (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۹/۱۸ - ۸). علامه طباطبایی «ره» به این ترتیب پیوستگی میان سوره‌های دارای حروف تهجی را خاطر نشان می‌کند. زیربنای روایی این دسته‌بندی را می‌توان

رَبِّبَ فِيهِ» (بقره/۲) به آیه «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد/۶) در سوره حمد اشاره دارد؛ چنان که وقتی بندگان هدایت به راه راست را از خداوند درخواست کرده‌اند، به ایشان خطاب شده: آن راه در همین کتاب است (زرکشی، ۱۹۹۰: ۱۳۴/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۵: ۷۰۰).

نصر حامد ابوزید با استناد به این سخنان زرکشی بیان معتقد است احکامی در سوره فاتحه ذکر شده که سوره بقره حاوی «دلایل» آن احکام و سوره آل عمران متضمن «پاسخ شبهات» درباره آنهاست و از آنجا که شبهات را د و هله اول دشمنان یهودی و سپس دشمنان مسیحی می‌پراکندند، طبیعی است که سوره بقره بر سوره آل عمران مقدم باشد زیرا رابطه اسلام با یهودیت به سبب مجاورت مکانی یهودیان بیشتر و بیشتر از رابطه اسلام با مسیحیان بوده و از جهت تاریخی نیز، تورات مقدم بر انجیل نازل شده است (نصر ابوزید، ۱۳۸۰: ۲۸۰).

مفاد آیات ۶ و ۷ از سوره حمد با سه گروه از صاحبان ادیان اسلام، یهود و مسیحیت در ارتباط است (ن.ک؛ شبیبانی، ۱۴۱۳: ۷۸/۱-۷۶؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۰/۱-۲۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۳: ۱۹/۱؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱۰/۱). این نکته در دعوی مناسبت میان سوره حمد و بقره نیز اساس و بنیاد فرضیه فوق تلقی شده است (پورحسن، ۱۳۸۳: ۴۲). عده‌ای نیز پا را از ارتباط مذکور فراتر نهاده و مدعی شده‌اند، میان سوره حمد و سوره ناس، که از نظر ترتیب کنونی اولین و آخرین سوره قرآن هستند، ارتباط و پیوستگی وجود دارد (بقاعی، ۱۴۱۳: ۱۶/۱-۱۵؛ بازرگان، ۱۳۷۲: ۳۳۲/۴).

بقاعی درباره شدت اتصال سوره ناس و سوره حمد می‌گوید: «چنان که «تعوذ» با شروع در قرائت

با توجه به این که سوره‌های حدید و تغابن جزو مسبحات هستند و با نظر به اینکه این نامگذاری ریشه روایی دارد^۱ می‌توان آن را یک مجموعه به شمار آورد.

ارتباط میان سوره حمد و دیگر سوره‌ها نیز یکی از موارد ارتباط میان مجموعه‌ای از سوره‌هاست که در دیدگاه برخی از محققان جایگاه ویژه‌ای داشته و به بررسی آن پرداخته‌اند. با توجه به روایات گوناگون مبنی بر فاتحه الكتاب، فاتحه القرآن و أم الكتاب بودن سوره حمد (نک: سیوطی، ۱۴۲۵: ۱۴۲-۱۴۱)، می‌توان گفت این گونه از مناسبات بر مبنای روایی شکل گرفته و از این جهت طرفداران تناسب سوره‌ها، در بررسی انواع مناسبات بین سوره‌ها، سوره حمد را مدخل کار خود قرار می‌دهند؛ چنان که همه آنان این سوره را نه صرفاً سوره نخستین، بلکه جامع مضامین مندرج در قرآن محسوب کرده (همان: ۸۱۰-۸۰۹) و دیباچه اصلی متن قرآن به شمار می‌آورند (ابوزید، ۱۳۸۰: ۲۷۶)، و از آن به مثابه براءت استهلال برای همه قرآن یاد می‌کنند (زرکشی، ۱۹۹۰: ۱۱۱/۱-۱۱۰؛ سیوطی، ۲۰۰۰: ۳۷؛ ابن معصوم، ۱۳۸۲: ۵۵/۱).

برخی دیگر از محققان غیر از این روابط عام، ارتباطات خاصی نیز بین سوره حمد و سایر سوره‌ها تصور و تصویر کرده‌اند. گروهی از این دسته از محققان معتقدند شروع سوره مبارکه بقره با «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا

۱- کان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لَا يَرْقُدُ حَتَّى يَقْرَأَ الْمَسْبُحَاتِ، وَ يَقُولُ: فِي هَذِهِ السُّورَةِ آيَةٌ هِيَ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ آيَةٍ. قَالُوا: وَ مَا الْمَسْبُحَاتُ؟ قَالَ: سُورَةُ الْحَدِيدِ وَ الْحَشْرِ، وَ الصَّفِّ، وَ الْجُمُعَةِ، وَ التَّغَابِنِ (طباطبائی، ۱۳۷۸: ۳۰۹/۱)؛ از امام صادق «ع»: «مَنْ قَرَأَ الْمَسْبُحَاتِ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ وَ إِنْ مَاتَ كَانَ فِي جَوْارِ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ «ص» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۲۱/۲).

کنندگان گمراه و مغضوب درگاه خداوند به شمار می‌روند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۵/۱).

عبد القاهر جرجانی در بیان این آیات می‌گوید: مقصود از این دو صفت (غضب شدگان و گمراهان) معنای خود آنها است بدون آنکه اشاره به مردمی معین باشد مثلاً اگر شما گفتید: به خدا پناه میبرم از اینکه حال من حال غضب شدگان باشد منظور شما از غضب شدگان دسته معین و معلوم نیست و همچنین وقتی از خدا می‌خواهید که پروردگارا مرا از کسانانی قرار ده که بر آنان نعمت داده‌ای مسلماً شما مردم خاصی را در نظر نمی‌گیرید (طبرسی، ۱۳۶۰: ۵۱/۱).

علامه طباطبایی «ره» نیز در *المیزان*، تفسیری خاص از این دو آیه به دست می‌دهد. او معتقد است، راه به سوی خدا دوتاست، یکی دور و دیگری نزدیک؛ راه نزدیک راه مؤمنان و راه دور، راه غیر آنان است و هر دو راه - به حکم آیه ۶ سوره انشقاق - راه خداست. وی سپس با توجه به آیات ۴۰ از سوره اعراف و ۸۱ از سوره طه، بر اساس تقسیمی دیگر، یک راه را به سوی پستی و راه دیگر را به سوی بلندی منتهی می‌داند و می‌افزاید: «بر اساس آیه: «وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (بقره/۱۰۸)، دسته سومی نیز هستند که نه راهشان به سوی بالا است، نه به سوی سقوط، بلکه اصلاً راه را گم کرده دچار حیرت شده‌اند. آنان که راهشان به سوی بالا است، کسانانی هستند که به آیات خدا ایمان دارند، و از عبادت او استکبار نمی‌کنند. بعضی دیگر راهشان به سوی پستی است، کسانانی هستند که مغضوب واقع شده‌اند، و بعضی دیگر که اصلاً راه گم کرده‌اند «ضالین» اند.

بنابراین شاید آیات مورد بحث به این سه طائفه اشاره کنند؛ یعنی، «الذین انعمت علیهم» طائفه اول،

متناسب است، دو سوره «معوذتین» نیز با سوره «حمد» اتباط دارد؛ یعنی این که آنها قبل از «حمد» قرائت شده و سپس «حمد» تلاوت شود. به این سبب است که تناسب «معوذتین» با سوره حمد «روشن» می‌گردد (بقاعی، ۱۴۱۳: ۱/۱۶).

دقت نظر در آراء مذکور نشان می‌دهد، مناسبات مطروحه بر دو پیش فرض استوار شده‌اند؛ اول، توقیفی بودن ترتیب کنونی سوره‌ها و مفتاح بودن سوره حمد در چینش کنونی. دوم، قول به وجود ارتباط مفاد آیات ۶ و ۷ از سوره حمد با آئین‌های دین اسلام، یهود و مسیحیت و توجه دادن به این مطلب که سوره بقره غالباً درباره یهودیان، و سوره آل عمران درباره مسیحیان سخن گفته است (رک: سیوطی، ۱۴۲۵: ۷۰۲-۷۰۱؛ ۱۴۰۶: ۶۹-۶۸).

در خصوص پیش فرض اول باید دقت داشته باشیم که محققانی مانند علامه طباطبایی «ره»، ترتیب کنونی سوره‌های قرآن را اساساً بنا به اجتهاد صحابه می‌دانند؛ افزون بر آن که در ترتیب نزول نیز سوره حمد را به عنوان نخستین سوره نازل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبول ندارد (طباطبائی، ۱۳۹۲: ۲۱/۲).

درباره پیش فرض دوم نیز باید گفت علی رغم آن که عموم مفسران با ذکر روایات متعدد (رک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۶/۱)، این دو آیه را به مغضوب بودن یهودیان و گمراه بودن ترسایان معنا کرده‌اند، اما برخی به اختلاف مفسران در معنای «مغضوب علیهم» و «الضالین» اشاره (قرطبی، ۱۳۷۹: ۱۴۹/۱)، وعده‌ای نیز با ردّ چنین تخصیصی، مفهومی عام و تفسیری گسترده ارائه داده‌اند؛ چنان که صاحب تفسیر *الکاشف* معتقد است، علی رغم روایات مذکور، لفظ آیه عام است و تخصیص و استثنائی در آن وجود ندارد، پس تمام فرمانبران شامل نعمه و رحمة الهی و تمام عصیان

۳- نتیجه‌گیری

۱- بر خلاف تصور رایج، علامه طباطبایی «ره» در بخش‌های متعددی از تفسیر خود به موضوع ارتباط و تناسب سوره‌ها پرداخته است و بر این اساس می‌توان به چگونگی اعتقاد یا عدم اعتقاد وی به انواع تناسب و ارتباط میان سوره‌ها وقوف یافت.

۲- علامه طباطبایی «ره» بر اساس اجتهادی دانستن ترتیب سوره‌ها در مصحف کنونی، برای ارتباط میان سوره‌ها بر مبنای ترتیب موجود و اشکال گوناگون آن (مانند ارتباط میان سوره‌های متوالی، ارتباط میان ابتدای یک سوره با انتهای سوره‌ی قبل و همچنین ارتباط خاص سوره‌ی حمد با سایر سوره‌ها) جایگاهی قائل نیست و از این رو در تفسیر المیزان به آنها نپرداخته است.

۳- علامه طباطبایی «ره» معتقد است یگانه ترتیب وحیانی در تنظیم سوره‌ها، ترتیب طبیعی آنها بر اساس نزول است و چنانچه بتوان سوره‌ها را بر اساس نزول مرتب کنیم، در بین آنها ارتباط و تناسب برقرار است.

۴- علامه طباطبایی «ره» به وجود ارتباط و تناسب سوره‌های هم سیاق از نظر ادبی و مضمونی، معتقد است؛ چنان که وجود ارتباط میان مجموعه‌هایی خاص از سوره‌ها بر مبنای روایات مأثوره را می‌پذیرد، با این تفاوت که در این قبیل از ارتباط‌ها، بر خلاف سایر محققان، چینش کنونی سوره‌ها را لحاظ نکرده است.

منابع

- قرآن مجید. ترجمه مهدی فولادوند.
- آلوسی، محمود. (۱۳۸۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق علی عبد الباری عطیة. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول.

«مغضوب علیهم» طائفه دوّم، و «ضالّین» طائفه سوّم باشند؛ چنان که واضح است صراط مستقیم، طریق «مغضوب علیهم»، و طریق «ضالّین» نیست، و صرفاً طریق طائفه اوّل، یعنی مؤمنان است که از آیات خدا استکبار نمی‌ورزند. علامه طباطبایی «ره» همچنین با یکی دانستن مصادیق خارجی ضلالت، شرک و ظلم، صراط مستقیم را که راه غیر گمراهان است، صراطی عاری از شرک و ظلم و ضلالت می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۲/۳۰-۲۸). علامه طباطبایی «ره» سوره حمد را مشتمل بر تمام معارف قرآنی می‌داند (همان: ۴۰/۱)، اما در هیچ جای از تفسیر خود ذکری از تقسیم بندی ادیان در آیات ۶ و ۷ این سوره به میان نیاورده است.

افزون بر آن که، با توجه به دیدگاه برخی مفسران (برای نمونه رک: جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۲/۲-۳۱؛ طباطبائی، ۱۳۹۲: ۴۴/۱-۴۳)، تردیدی نیست که داستان یهود و بنی اسرائیل تنها جزئی کوچک از سوره بقره را به خود اختصاص داده و انحصار این سوره به بیان مسائل مربوط به یهودیت محققانه و صحیح نیست؛ چنان که سوره آل عمران در توصیف فضیلت، مناقب و مکارم حضرت مریم، ذکریا و حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه‌السلام است، و موضوع سخن در سوره بقره قوم بنی اسرائیل و مذمت آنان است و این تفاوت ساختاری موجب تفاوت اعتبار در موضوع و مفهوم می‌گردد و دقت فزونتتری را در مطالعات تطبیقی مناسبات سوره‌ها می‌طلبد. بنابراین ارتباطات خاصی که برای سوره حمد و سایر سوره‌ها، به خصوص چند سوره بعد از آن، ذکر کرده‌اند، پندارگونه به نظر می‌رسد (صبحی صالح، ۱۳۷۹: ۲۴۳). و شاید از همین رو باشد که برخی از مفسران، مانند علامه طباطبایی «ره» اساساً در تفسیر خود به آن نپرداخته‌اند.

- ابن حنبل، احمد. (۱۴۰۱ق). *مسند احمد بن حنبل*.
مجموعه کتب الستة. تحقیق محمود فؤاد عبد الباقي.
استانبول: بی‌نا.
- ابن معصوم، علی صدرالدین بن احمد. (۱۳۸۲ق). *انوار الربیع*. نجف: النعمان. چاپ اول.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ابوزید، نصر حامد. (۱۳۸۰ش). *معنای متن*. ترجمه مرتضی کریمی نیا. تهران: طرح نو.
- ایازی، محمدعلی. (۱۳۸۰ش). *چهره پیوسته قرآن*. تهران: نشر هستی نما. چاپ اول.
- بازرگان، عبد العلی. (۱۳۷۲ش). *نظم قرآن*. تهران: انتشارات قلم. چاپ اول.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. تحقیق عبد الرزاق المهدی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۱۳ق). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. قاهره: دار الكتاب الاسلامی. چاپ دوّم.
- بی آزار شیرازی، عبد الکریم و محمد باقر حجتی. (۱۳۶۳ش). *تفسیر کاشف*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پورحسن، قاسم. (۱۳۸۳ش). *مناسبت بین سور و آیات*. فصلنامه پیام جاویدان. سازمان اوقاف و امور خیریه. شماره ۴. ص ۳۷-۴۶.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۵ش). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جویباری، یعسوب الدّین. (بی‌تا). *تفسیر البصائر*. بی‌جا: المطبعة الاسلامیة. چاپ اول.
- حجازی، محمد محمود. (۱۴۱۳ق). *التفسیر الواضح*. بیروت: دار الجیل جدید. چاپ دهم.
- حوی، سعید. (۱۴۱۲ق). *الاساس فی التفسیر*. قاهره: دار السلام.
- خامه گر، محمد. (۱۳۸۶ش). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل. چاپ دوّم.
- دارمی، ابو محمد عبدالله. (۱۴۰۱ق). *المسند*. مجموعه کتب الستة. تحقیق محمود فؤاد عبد الباقي. استانبول: بی‌نا.
- دراز، عبدالله. (۱۴۱۲ق). *النبا العظیم*. کویت: دار القلم.
- رشید رضا، محمد. (۱۴۱۴ق). *تفسیر المنار*. بیروت: دار المعرفة.
- زرقانی، محمد عبد العظیم. (۱۴۰۹ق). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. بیروت: دار کتب العلمیة.
- زرکشی، محمد بن عبد الله. (۱۹۹۰م). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۳ق). *بحر العلوم*. بیروت: دار کتب العلمیة.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان. (۲۰۰۰م). *ترتیب سور القرآن*. تحقیق سید الجمیلی. بیروت: دار مکتبة الهلال.
- . (۱۴۲۵ق). *الاتقان فی علوم*

- القرآن. بیروت: دار الكتاب العربی.
- طبری، محمد بن جریر. (۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. تحقیق سید هاشم رسولی محلّاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان. چاپ چهارم.
- علی زاده، یعقوب. (۱۳۸۷ش). پژوهشی نو در ترتیب نزول قرآن کریم. تهران: انتشارات دانش پرور.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر. (۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فقهی زاده، عبد الهادی. (۱۳۷۴ش). پژوهشی در نظم قرآن. تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
- صالح، صبحی. (۱۳۷۹ش). مباحثی در علوم قرآن. مترجم محمدعلی لسانی فشارکی. تهران: نشر احسان.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۸ش). سنن النبی صلی الله علیه و آله. ترجمه محمد هادی فقهی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- القرآن. بیروت: مؤسسة الاعلمی المطبوعات.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۷۹ش). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ش). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مراغی، محمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسلم، مصطفی. (۱۴۱۰ق). مباحث فی تفسیر الموضوعی. دمشق: دار القلم. چاپ اول.
- القرآن. بیروت: دار الكتاب العربی.
- تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- تناسق السدر فی تناسب السور. تحقیق عبد القادر احمد عطا. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شریعتی، محمد تقی. (۱۳۶۸ش). تفسیر نوین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شوکانی، محمد بن علی. (۱۴۱۴ق). فتح القصدیر. دمشق: دار ابن کثیر. چاپ اول.
- شیبانی، محمد بن حسن. (۴۱۳ق). نهج البیان عن کشف معانی القرآن. تحقیق حسین درگاهی. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- صالح، صبحی. (۱۳۷۹ش). مباحثی در علوم قرآن.
- مترجم محمدعلی لسانی فشارکی. تهران: نشر احسان.
- طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۷۸ش). سنن النبی صلی الله علیه و آله. ترجمه محمد هادی فقهی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- القرآن. بیروت: مؤسسة الاعلمی المطبوعات.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۷۹ش). الجامع لاحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ش). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة. بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مراغی، محمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسلم، مصطفی. (۱۴۱۰ق). مباحث فی تفسیر الموضوعی. دمشق: دار القلم. چاپ اول.

- معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۶ق). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. چاپ دوّم.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ اول.
- نهاوندی، محمد بن عبد الرحیم. (۱۳۸۶ش). *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثة.
- نیشابوری، محمود بن ابو الحسن. (۱۴۱۵ق). *ایجاز البیان عن معانی القرآن*. تحقیق حنیف بن حسن القاسمی. بیروت: دار الغرب الاسلامی. چاپ اول.
- همامی، عباس. (۱۳۷۵ش). *چهره زیبای قرآن*. اصفهان: بصائر.